

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

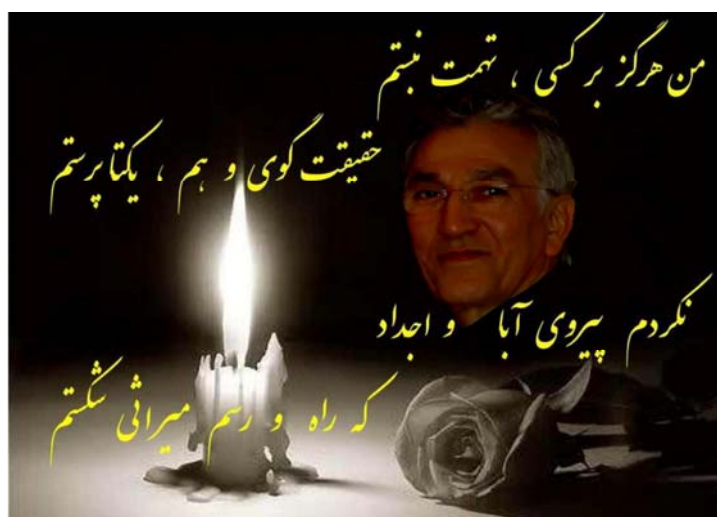
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۲ دسمبر ۲۰۱۸



دوزخ هجران

مہتاب کہ شب جلوه بہ فرمان تو دارد خورشید سر از چاک گریبان تودارد
قربان خدا ئیکہ ترا خلق نمودہ صد معجزہ از مصحف و قرآن تو دارد
نازم بہ بہشتی کہ پر از حوری و غلمان فیسبوک، دم از روضہ رضوان تو دارد
نابود شود، آنکہ، برانی ز بہشتت یا، مسکنی در دوزخ ہجران تودارد
دُہلی کہ زنی، رقص بہ آن ساز مجازست آہنگی گرش، پنجہ فرمان تو دارد
طبع تو روان است و سلیس است بیانت صد دام، ز گیسوی پریشان تو دارد
ملا شدہ نابود و چلی گشتہ فراری کی تاب سخن از لب و دندان تو دارد
بلقیس سبا، غرق بہ دریای حسادت گر ہُد ہُدی پیغام سلیمان تودارد
شاهی کہ وفا خورد و وزیری کہ جفا برد در سنگر احساس، فراخوان تو دارد
مجنون ادب، رفتہ بہ صحرا پی لایلا با بندہ کنون دست و گریبان تو دارد
«نعمت» سبق عشق زلیخا، بہ تو آموخت چون جلوه ای از یوسف کنعان تو دارد

دوزخ، جبران

مستاب که شب، جلوه بفرمان تو دارد
مهربان خدایی که ترا خلق نموده
نازم به بهشتی که پر از حوری و غلمان
نابود شود آنکه، برانی ز بهشت
دعای که زنی، رقص به آن ساز مجازست
طبع تو روان است و، سلیس است بیانت
ملا شدی نابود و، چلی گشت فسادری
بفتیش سبا، غرق به دریای حسادت
شاهی که وفا خورد و، وزیری که جفا بُرد
مجنون ادب رفته به صحرا، پی لیلی
«نعمت» سبق عشق زینبا به تو آموخت

خورشید سر از چاک گریبان تو دارد
صد مجنزه از مصحف و قرآن تو دارد
فیضون، دم از روضه، رضوان تو دارد
یا مسکنی، در دوزخ جبران تو دارد
آهنگی گرش، پنجه فرمان تو دارد
صد دام زگیوی پریشان تو دارد
کی تاب سخن، از لب و دندان تو دارد
گر حد هدی، پیغام سلیمان تو دارد
در سنگر احساس، ضراخوان تو دارد
بابنده کنون دست و گریبان تو دارد
چون جلوه ی از یوسف کنعان تو دارد